



۲۰۱۶/۰۳/۰۳

نادر شاه سدوزی

احزاب سیاسی و سیاست

در جهان امروز نمی توان سیاست را از فعالیت های احزاب سیاسی به دور نگه داشت. از طریق فعالیت های همین



گونه احزاب سیاسی است که افراد به طوری مستقیم و یا غیر مستقیم در سیاست داخل شده، علاقه و حصه میگیرند. از طریق همین احزاب سیاسی است که افراد در باره سیاست خوب و یا خراب سیاستمداران مقامات رهبری مملکت ابراز نظر نموده، حمایت و یا انتقادات شان را اظهار میدارند. این یک امر کاملاً طبیعی در نظام دیموکراسی محسوب میشود که افراد جامعه بدین وسیله در سیاست، خود را سهم دانسته و احزاب در قسمت بسیج نمودن افراد خویش تلاش می ورزند. بدون فعالیت قانونی احزاب، نظام دیموکراسی ناقص شمرده می شود. مگر تعداد احزاب در هر کشور از هم فرق داشته،

در بعضی از کشورها دو حزب فعالیت دارند مانند انگلستان، و در بعضی احزاب متعدد موجود است مانند فرانسه که هریک آنها به فعالیت های سیاسی خویش مصروف میباشند. در بعضی از کشورهای دیگر یک حزب فعالیت دارد که عموماً حزب رسمی طرفدار دولت بوده و موجودیت حزب مخالف قابل قبول نبوده، تا اینکه وی بتواند آزادانه از سیاست مقامات رهبری انتقاد نماید. نمونه آنرا می توان در کشورهای، چین، کیوبا و کوریای شمالی دریافت نمود. قابل یادآوریست که هر یک از احزاب سیاسی دارای برنامه عمل بوده که اهداف تاکتیکی و استراتژیکی در آن شامل و احزاب سیاسی مطابق آن فعالیت سیاسی می نمایند.

در واقعیت انگیزه و اهداف احزاب سیاسی کسب قدرت سیاسی می باشد. ولی به کدام طریق؟ آیا از طریق راه مسالمت آمیز و قانونی و یا اینکه از طریق خشونت و مبارزه مسلحانه؟ احزاب سیاسی در نظام دیموکراسی که از آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی فعالیت های سیاسی برخوردار اند، می توانند از طریق مسالمت آمیز، و قانونی داخل عمل سیاسی گردیده و مطابق برنامه به مرام خویش نائل آیند. عمدتاً و بطور کلی دو طرز دید در برنامه های احزاب سیاسی مشاهده میگردد. یک تعداد احزاب هستند که مخالف تغییرات بنیادی در جامعه بوده، عقیده دارند که تغییرات بنیادی ساختار تشکیلاتی مملکت را برهم زده، باعث نابودی مملکت میگردد. باید که ارزش های سنتی مملکت حفظ گردد و در راه حفظ آن ارزش ها تلاش های سیاسی می نمایند. مگر برخلاف، احزاب سیاسی دیگری هم هستند که دارای ایدئولوژی خاص خود بوده خواهان تغییرات بنیادی در جامعه می باشند و در حفظ ارزش های سنتی عقیده ندارند و پابند نمی باشند.

در نظام دیموکراسی کثرت گراه هر یک از احزاب سیاسی حق دارد که فعالیت سیاسی بنماید و هم چنان مکلفیت دارد تا مطابق قانون احزاب در کشور فعالیت نموده نظم مملکت را برهم نزنند. در این روزها، وزارت عدلیه ۱۱ حزب را به تعلیق درآورد و به ۲۰ حزب دیگر هشدار داده است. در اعلامیه وزارت عدلیه آمده است:

«طبق فقره دوم، ماده نهم مقرر طرز تأسیس و ثبت احزاب سیاسی در افغانستان، احزابی در وزارت عدلیه به عنوان حزب سیاسی می توانند فعالیت کنند که هنگام ثبت ۱۰ هزار عضو داشته و پس از یکسال فعالیت در بیشتر از ۲۰ ولایت نمایندگی فعال و مشخص داشته باشند. وابستگی به قوم و ملیت خاص (تبار خاص - ادیتور)، مسلح نبودن و برنامه های مطابق قانون اساسی و دین اسلام نیز از خصوصیات دیگری است که برای احزاب سیاسی در قانون اساسی افغانستان ذکر شده است.

در وزارت عدلیه افغانستان اکنون ۵۶ حزب سیاسی، به عنوان احزاب فعال و دارای جواز ثبت اند که از این میان تعدادی از احزاب سیاسی شرایطی را که این وزارت برای احزاب تعریف کرده است، ندارند. بدین اساس ۱۱ حزب سیاسی که شامل فعالان صلح افغانستان، ملی هیواد، صلح ملی و اقوام افغانستان، تفاهم و دیموکراسی، د افغانستان د خلق انقلابی گوند، آزادگان افغانستان، وفاق ملی، ملی افغانستان، عدالت ائتلاف افغانستان، حمایت از حقوق مردم افغانستان و کار و توسعه می شود به دلیل اینکه در ۲۰ ولایت نمایندگی ایجاد نتوانسته اند از لیست راجستر وزارت عدلیه حذف گردیده و همچنان به ۲۰ حزب دیگر هشدار صادر گردیده که عبارتند است از حزب انصاف ملی اسلامی افغانستان، حزب توحید مردم افغانستان، حزب وحدت ملی افغانستان، حزب مردم افغانستان، حزب الله افغانستان، حزب کنگره ملی افغانستان، حزب حرکت اسلامی افغانستان، حزب اقتدار ملی افغانستان و غیره و غیره. . . در همین حال، زلمی زابلی، رئیس کمیسیون سمع شکایات مجلس سنا می گوید که بررسی های آنان نیز نشان می دهد که از ۵۶ حزب سیاسی که اکنون در وزارت عدلیه ثبت و راجستر است، اکثریت آنان شرایط تعریف شده در وزارت عدلیه برای احزاب سیاسی را تکمیل نتوانسته و باید طبق قانون، فعالیت این احزاب به تعلیق در آورده شود...»

بنا بر این خصوصیات مشاهده می گردد که مملکت ما یک مملکتی است که اکثر وقت به افراط گری گرایش دارد. تعداد احزاب متعدد سیاسی نخواهد توانست که مملکت را از بحران نجات دهد. این گونه احزاب بی بند و بار، به عوض اینکه مملکت را از بحران نجات دهند، زیاد تر مملکت را به طرف بحران و بی نظمی سوق داده که به هیچ صورت مطابق ارزش های نظام دیموکراسی نبوده و نمی باشد. برای ثبات نظام سیاسی هرگاه خدا بخواهد که روزی مملکت، دارای دو حزب اکثریت و اپوزیسیون به مثل نمونه انگلستان گردد، امکان دارد که در آن صورت ارزش های نظام دیموکراسی با فعالیت های متمرکز احزاب سیاسی تحقق یابد.

بناء آرزو می رود تا هرچه زود تر به موجودیت این گونه احزاب متعدد بی مسؤولیت و بی بند و بار که خلاف قانون عمل می نمایند خاتمه داد شود تا اینکه بیشتر مملکت به طرف بی نظمی سوق نگردیده و لطمه ای جهت پیشرفت و ترقی به نظام دیموکراسی وارد نگردد.

پایان